

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه ریزی و سیاست گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

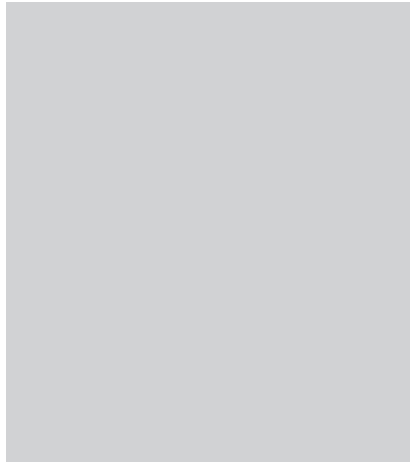
کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تمدن نوین اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر فرزاد جهان‌بین

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- مصطفی جمالی: استادیار فرهنگستان علوم اسلامی
- فرزاد جهان‌بین: استادیار دانشگاه شاهد
- محمدرضا خاکی قراملکی: عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی
- رضا رمضان نرگسی: استادیار گروه تاریخ و اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- امین‌رضا عابدی‌نژاد: دکترای فلسفه تطبیقی و استاد حوزه علمیه قم
- رضا غلامی: عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
- عبدالله فتحی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)
- سید محمدتقی موحد ابطحی: دکترای فلسفه علم و فناوری
- سید علیرضا واسعی: عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- عبدالرسول یعقوبی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)



حامیان برگزاری کنگره



سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	شابک : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره : ۲۱ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۲۲۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد ششم | کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله‌در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۷-۷۵-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: www.sccsr.ac.ir

رایانامه: info@sccsr.ac.ir

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

۹

الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چپستی، چرایی، چگونگی
رسول رضوی، محمد پارچه‌باف دولتی، ایمان روشن بین

۳۵

کاربرد روش‌پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی
مسعود مطهری نسب

۵۷

تبیین رابطه فقه نظام و علوم انسانی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلام
امین رضا عابدی نژاد

۷۹

نقش سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
محمد رحیمی کلشادی (نویسنده مسئول)، غلامرضا گودرزی، مریم رحیمی کلشادی

۱۰۵

کنکاش در چپستی و اجزای ذاتی مفهوم «تحول» در علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
سید هادی موسوی

۱۳۱

نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی
دوست‌علی سنچولی، ملیحه ابویسانی

۱۵۵

نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری
مهدی ابوطالبی

۱۸۳

درآمدی بر الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی
بر اساس اندیشه تمدنی آیت الله العظمی خامنه‌ای
مصطفی جمالی، علیرضا جمالی، عباس درویشی

۲۱۷

الگوی اعتبارسنجی منابع متداول تاریخی مبتنی بر قرآن و روایات و اصول کلامی امامیه
(مطالعه موردی: تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیرة النبویه)
ایمان روشن‌بین

۲۵۱

نگاه مقایسه‌ای به معرفت‌شناسی ساختارگرا و تکامل‌گرا در تحول علوم انسانی و تأثیر آن
در مهندسی تمدن نوین اسلامی
ابراهیم صادقی، محمدرضا خاکی قراملکی

۲۸۵

الزامات نظریه حاکم بر ساخت تمدن اسلامی
مصطفی جمالی، حسن شیخ‌العراقین زاده

نقش سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

محمد رحیمی کلیشادی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

rahimi9293@gmail.com

غلامرضا گودرزی

دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

rgodarzi@yahoo.com

مریم رحیمی کلیشادی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه اصفهان، ایران، اصفهان.

rahimi9296@gmail.com

چکیده

سبک زندگی ایرانی - اسلامی موجب ارتقای فرهنگ عمومی ایران اسلامی و قرارگیری آن در مسیر هنجارها و اصول اجتماعی منطبق بر اسلام می‌شود. سبک زندگی ریشه‌های جامعه‌شناختی و اندیشگی طولانی دارد. با این حال مسئله سبک زندگی با رویکرد اسلامی و تمدنی برای نخستین بار و به شکلی جدید و کاربردی در سخنان مقام معظم رهبری بیان شده است. هدف این پژوهش بررسی اهمیت نقش سبک زندگی ایرانی - اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و در این مسیر تلاش شده است پس از درک مفهوم سبک زندگی، مفهوم و مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی - اسلامی و نیز سبک زندگی غربی و تأثیر آن بر سبک زندگی

ایرانی-اسلامی بررسی گردد. در این پژوهش تلاش شده است در قالب پژوهشی کیفی، نظری و کتابخانه‌ای و سپس تحلیل محتوا ابتدا به جایگاه و اهمیت سبک زندگی در تمدن اسلامی پرداخته شود و سپس با بیان تفاوت‌های بنیادین میان سبک زندگی غربی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، لزوم پرهیز از تقلید از سبک زندگی غربی یادآوری شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سبک زندگی باید مبتنی بر دین اسلام و فرهنگ بومی ایران باشد و در تمامی سطوح پیش رود تا بتواند به عنوان مبنای اسلامی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته شود. در انتها نیز راهکارهایی عملیاتی برای احیای سبک زندگی ایرانی-اسلامی در جامعه و در نهایت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پیشنهاد شده است.

کلیدواژگان: سبک زندگی، سبک زندگی ایرانی-اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

انسان متشکل از هویتی باطنی یا نرم‌افزار و در کنارش هویتی ظاهری یا سخت‌افزار است. فرهنگ نیز اصل همان هویت باطنی است که شامل بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان است. تلاش برای شکل‌دهی به این هویت باطنی، در احکام دین جهاد کبیر نامیده می‌شود: «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان: ۵۲). در این آیه شریفه محور جهاد، قرآن کریم عنوان شده است و دلیل آن این است که این جهاد، از سنخ مجاهدت فکری و اندیشه بوده، قرآن کریم معجزه‌اندیشه‌ای نبی مکرم اسلام ﷺ است. وقتی فرهنگ جامعه تخریب شود، هر کس در نفس خود دائماً با شیطان درگیر می‌شود که خود موجب صرف هزینه‌های فکری و انسانی فراوان برای مبارزه با آنهاست و از سوی دیگر زمینه انحرافات و دین‌گریزی‌ها را در جامعه پدید خواهد آورد. بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. بدین ترتیب فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را شکل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۲۴۳). باید بدانیم که موفقیت نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی هر جامعه‌ای به هویت‌سازی فرهنگی و آداب و رسوم و اعتقادات آن جامعه که همان سبک زندگی است، بستگی دارد.

بنابر آنچه گفته شد، اهمیت فرهنگ در جامعه مشخص شد. حال باید بدانیم که یکی از

مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حوزه فرهنگ مسئله سبک زندگی است. سبک زندگی را باید لایه رویین، میوه و ظهور فرهنگ به شمار آورد. داشته‌های یک فرهنگ در قالب رفتارهای اجتماعی و یا همان سبک زندگی یک فرهنگ تجلی می‌یابد. در واقع سبک زندگی یکی از مفاهیم بنیادینی است که توجه بسیاری از متفکران حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است. از طریق محک سبک زندگی یک فرهنگ می‌توان به توفیق آن فرهنگ در رسیدن به تمدنی یک‌پارچه پی برد. در ساحت تمدن است که سبک زندگی مشخصی مبتنی بر مبانی اندیشه‌ای آن فرهنگ شکل می‌گیرد و جلوه‌گری می‌کند. می‌توان گفت: سبک زندگی آن بعد از تمدن است که به طور مستقیم با حیات انسان ارتباط دارد و مجموعه رفتارهای اجتماعی اوست؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری در بیانات خود می‌فرماید:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این‌طور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است و یک بخش دیگر بخش متنی و اصلی و اساسی است. بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد (۱۳۹۱/۷/۲۳).

طبیعی بود که ناظر به اهمیت موضوع و نمودان در رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، این مسئله در جامعه علمی ایران نیز بازتابی گسترده یابد. ورود این موضوع به جامعه دانشگاهی ایران و بیگانگی آن با فرهنگ بومی - اسلامی ایران، حساسیت بسیاری از دانشمندان در این زمینه را برانگیخت. در همان ایام به رغم آثار توصیفی نگاشته‌شده‌ای که به دنبال تبیین سبک زندگی غربی بود، این هم‌صدایی نیز وجود داشته است که سبک زندگی و الگوهای جامعه‌شناختی - روان‌شناختی غرب در این حوزه چیزی متفاوت با سبک زندگی ایرانی اسلامی است. این نگرش تا جایی ادامه یافت که بعضی از نویسندگان اساساً معنای سبک زندگی را برنرفتند و با توجه به موضوعات متفاوت این دو نگرش، منکر وجود چنین انگاره‌ای در اندیشه مسلمانان شدند؛ زیرا معتقد بودند آنچه تحت عنوان سبک زندگی مطرح است، با جهان‌بینی یک مسلمان و حوزه‌های رفتاری وی متعارض است. چنان‌که پیداست، گام‌های متفاوتی در این مسئله در ایران با اقدامات تدافعی، آن

هم از نوع نفی مسئله برداشته شد؛ اما پیش‌تر از آنان، گروهی نیز تدوین مدل بومی را که با فرهنگ اسلامی سازگار باشد سرلوحه کار خود قرار دادند؛ زیرا نفی موضوع به مثابه پاک کردن مسئله بود، حال آنکه در واقعیت‌های اجتماعی مواجهه انکارناشدنی با سبک زندگی وجود داشت. با توجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت: سبک زندگی یکی از اساسی‌ترین معیارها در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تحقق اهداف و آرمان‌های سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

۱. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

خاستگاه سبک زندگی به عنوان یک اصطلاح، فرهنگ و تمدن غرب است و سابقه آن به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد. اگرچه مفهوم سبک زندگی در آغاز با مفاهیمی چون طبقه و منزلت اجتماعی ارتباط داشت، لیکن بسیاری از جامعه‌شناسان این اصطلاح را گویاتر از شاخص‌های مرسوم در مطالعات طبقه‌بندی اجتماعی می‌دانستند. اصطلاح سبک زندگی برای نخستین بار در سال ۱۹۰۸ توسط زیمل در علوم اجتماعی مطرح گشت (ر.ک: مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵) و پس از آن چندی تلاش‌های فراوان برای توسعه این مفهوم صورت پذیرفت. در راستای توسعه این پژوهش، مهم‌ترین فعالیت انجام‌شده، اثر آدلر در سال ۱۹۹۲ بود. آدلر سبک زندگی را از سطح جامعه‌شناسی به سطح روان‌شناسی آورد. بدین‌گونه، موضوع مذکور در دو سطح فردی و اجتماعی مطرح شد و شاخصه مهمی برای تشخیص هویت فرد و جامعه به شمار آمد. در زمینه سبک زندگی و تأثیر آن بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تاکنون تألیفاتی انجام شده است؛ اما نوآوری این پژوهش از جهتی است که با نگاهی برگرفته از بیانات مقام رهبری، برای نخستین بار به بیان سبک زندگی ایرانی-اسلامی با رویکرد تمدنی پرداخته شده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا این خلأ پژوهشی مورد توجه قرار گیرد.

جدول شماره ۱. مروری بر مبانی نظری پژوهش

محقق / سال	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
کیان و همکاران ۱۳۹۳	واکاوی سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و مقایسه آن با آرایمتفکران غربی	برای مقایسه و تحلیل دقیق یافته‌های مربوط به سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و تمدن غرب، مباحث در دو بخش مهم دسته‌بندی می‌شوند: اول: شباهت بین سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و تمدن غرب؛ دوم: تفاوت‌های بین سبک زندگی متعلم تمدن نوین اسلامی و تمدن غرب. و یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که متعلم در هر دو تمدن، از نظر علمی و اجتماعی‌گونه‌ای مشابه آموزش می‌بینند؛ اما بی‌شک در تربیت اخلاقی و انسانی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.
ولی‌زاده ۱۳۹۲	ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی- ایرانی) از سبک زندگی	شاید نکته اصلی و کلیدی این پژوهش، بیان علت و تبیین این مسئله باشد که چرا ورود به موضوع سبک زندگی با نگاه غربی، سبب می‌شود تا گام‌های بعدی نیز با همان نگاه پیموده شود و اینکه چرا محققانی که با نگاه غربی وارد بحث می‌شوند، نمی‌توانند در گام‌های بعدی به نگاه بومی خویش رجعت کنند و ادامه بحث را با نگاهی جدید بپیمایند.
شریعتی ۱۳۹۲	درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات	یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که با بررسی سبک‌های مختلف زندگی که برخی دنیوی محض و برخی اخروی محض است، به این نتیجه می‌رسیم که وجود انسان با ماهیتی دوجبهی نیازمند اعتدالی هم‌زمان وجه جسمانی و روحانی است و این مهم تنها در سایه تعلیمات اسلامی که دربرگیرنده تمام خصال انسانی است، میسر است.
سارمانلو ۱۳۹۴	سبک زندگی ایرانی-اسلامی به مانند الگوی اعتدال در زندگی	یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که میانه‌روی در زندگی اسلامی یکی از شاخصه‌های اصلی است و امت اسلامی به میانه‌روی شناخته می‌شود. پس باید گفت که آموزه‌های اسلامی بر مدار و محور اعتدال و میانه‌روی سامان یافته است؛ زیرا اگر اسلام دارای عناصر افراطی و تفریطی بود، امکان نداشت تا امتی ایجاد کند که سبک زندگی‌اش بر مدار میانه‌روی و اعتدال باشد. اصل اعتدال از جمله مهم‌ترین اصول سبک زندگی اسلامی است که در قرآن کریم به آن توجه فراوان شده است.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که بررسی سبک زندگی در ایران به قدری جدیدی و نوظهور است که هنوز زمینه مطالعات ملی برای ایجاد دو اصل ضروری میدانی در کشور وجود ندارد؛ یکی رسیدن به الگو و اولویت‌های سبک زندگی در ایران و دیگری ایجاد پایگاه داده‌پردازی ملی در این زمینه. بنابراین تأکید بر روش‌های سنتی و اصرار بر روش‌های سنتی و کارکردهای قبلی به واسطه تحول جامعه امکان‌پذیر نیست.	تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی	خانی ۱۳۹۳
سبک زندگی، به نوعی صورت‌بندی اجتماعی است و تا حد بسیاری در باورها و ذهنیت افراد ریشه دارد. براین اساس سبک زندگی محصول و برآیند وجوه مشترک میان مجموعه‌ای از پدیده‌هاست که به گونه‌ای خاص به هم تألیف یافته‌اند و به دلیل همین ویژگی از دیگر مجموعه‌های بی‌بهره از این وجوه اشتراک یا هیئت تألیفی ویژه، متمایز می‌شوند.	دین و سبک زندگی	مهدوی کنی ۱۳۸۵

۲. سبک زندگی

۱-۲. تعریف

سبک زندگی، نشان‌دهنده مجموع جهت‌گیری‌های ارزشی، هنجارها، خواسته‌ها، تمایلات و شیوه رفتار و در کل وضعیت فرهنگی جامعه است (قهرمانی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱). سبک زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است (کیدنز، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). سبک زندگی به هستی و وجود فرد وحدت می‌بخشد و این وحدت‌بخشی، اصلی‌ترین ویژگی سبک زندگی است (انسباچر، ۲۰۰۱). این وحدت به فرد اجازه می‌دهد تا برای دست‌وپنجه نرم کردن با معماهای حاصل در تغییر اجتماعی، آمادگی بیشتری داشته باشد. بسیاری از گروه‌های سبک زندگی‌هایی را که ضدساختاری و استقلال‌طلبانه‌اند بروز می‌دهند (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). آنها با استفاده از عوامل متعددی نظیر مصرف فراوان فرهنگ، تولید فراوان فرهنگ و بازتولید فعالیت‌های فرهنگی، هویت اجتماعی خویش را تعیین می‌کنند (وین و وایت، ۱۹۹۷).

مفهوم سبک زندگی از ترکیب دو واژه سبک و زندگی تشکیل شده است که به توضیح هر یک می‌پردازیم. برای معنای لغوی واژه سبک در مجموع می‌توان معانی مختلفی مانند: نوع، روش،

شیوه و روش انجام چیزی، مد، عادت و رسوم نام برد. زندگی در لغت نیز به معنای مترادف واژه‌های زندگانی، معاش و حیات است. در واقع می‌توان گفت: سبک زندگی الگوی نظام‌مندی از رفتارهای یک اجتماع انسانی بر پایه مجموعه‌ای از سلايق و انتخاب‌هاست که در ارتباطات چهارگانه وی متجلی است. منظور از ارتباط چهارگانه، ارتباط انسان با خدا، با خود، با دیگران و با خلقت است (شبدینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

درباره سبک زندگی در ایران و به‌ویژه در دوره پس از انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که جامعه ایرانی نیز به لحاظ فرهنگی و اجتماعی بسیار متنوع و متکثر است و در دوره پس از پیروزی انقلاب، این تنوعات، پیچیدگی بیشتری به خود گرفته است. در واقع، با پایان یافتن جنگ تحمیلی کم‌کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان‌های جهانی و تحولات بین‌المللی بوده‌ایم و این امر به تدریج در سبک زندگی مردم نفوذ کرده و موجب ظهور جامعه‌های مصرفی و شیوه‌های زندگی جدید شده است؛ فرهنگی جدید و در حال شکل‌گیری که حق انتخاب فراوانی به افراد می‌دهد و آنها را تنوع طلب بار می‌آورد (بایگانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳).

۲-۲. مؤلفه‌های سبک زندگی

از نظر دینی، مؤلفه‌های مهم سبک زندگی شامل ابعاد فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است. همچنین در تفکر دینی قلمروهای سبک زندگی در زندگی فردی نیز بسیار مهم و برجسته‌اند (قهرمانی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۷). اگر بخواهیم در یک تقسیم‌بندی کلی و جامع همه مؤلفه‌های دخیل در سبک زندگی را که در بالا به آنها اشاره شد تقسیم‌بندی کنیم، می‌توانیم آنها را در سه گروه اصلی سلیقه، انتخاب و الگوی نظام‌مند جای دهیم.

۱-۲-۲. سلیقه

سبک زندگی جایی است که سلايق، غرایز و خواسته‌های فردی می‌توانند نقش‌آفرینی خود را نشان دهند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۲). رهبر انقلاب معتقدند وجود سلیقه‌های گوناگون در انسان‌ها، به‌ویژه نسل جوان طبیعی است؛ به گونه‌ای که سلیقه‌های انسان‌ها در چگونگی انتخاب لباس و پوشش مؤثر است. از طرفی ایشان سلیقه را در زمان و دوره‌های گوناگون، در شهرها و اقشار گوناگون و محیط‌های جغرافیایی مختلف متنوع می‌دانند و اعتقاد دارند که سلیقه عامل جداکنندگی نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

۲-۲-۲. انتخاب

انتخاب عنصر اصلی سبک زندگی به شمار می‌آید. به همین دلیل بیشتر محققان معتقدند که سبک زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی کاربرد چندانی ندارد؛ چون با نوعی انتخاب از میان امکان‌های پرشمار موجود همراه است. در جهان سنتی، زندگی اغلب در مجرای تقریباً از پیش تعیین شده جریان می‌یافت؛ اما در دوران مدرن، افراد با تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن روبه‌رو هستند. پیامد اصلی توسعه عاملیت و انتخاب‌گری انسان، اهمیت یافتن سبک زندگی و حتی اجتناب‌ناپذیری آن برای افراد و عاملان بوده است (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

با توجه به اینکه در دنیای امروز، فرهنگ مصرف طیف وسیعی از انتخاب‌ها را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد و انتخاب نیز بیانگر ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذائقه‌هایی است که مفهوم مصرف به هویت اجتماعی مربوط می‌شود، ذوق و قریحه فرد و انتخاب‌های ذوقی‌اش نیز جزو مسئولیت‌های اوست که از رهگذر آن، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. بنابراین ذوق و قریحه با حس هویت در هم می‌آمیزد. از این‌رو سبک زندگی شامل آن‌گونه رفتارهایی که مردم به هر دلیلی حق انتخابی برایش ندارند نمی‌شود و بنابراین هر قدر با دنیای توسعه‌یافته‌تری روبه‌رو شویم، اهمیت سبک زندگی نیز بیشتر می‌شود (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

۲-۲-۳. الگوی نظام‌مند

هر چند سبک زندگی بر اساس ترجیحات، ذائقه‌ها و انتخاب‌های افراد ساخته می‌شود و در آن افراد به دنبال تنوع و تمایزند، این بدان معنا نیست که سبک زندگی عاری از هرگونه نظام‌مندی قابل تشخیص باشد، بلکه برعکس همین ویژگی الگومندی است که نوعی از نظم در سبک‌های زندگی ایجاد می‌کند و به عبارتی آن را تبدیل به سبک یا شیوه خاص می‌سازد. بنابراین سبک زندگی باید میان تعداد کثیری از مردم عمومیت داشته باشد، وگرنه هیچ تفاوتی با طبایع فردی یا هوس‌های شخصی نخواهد داشت (فضیحی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۶). الگومندی یعنی اولاً مجموع انتخاب‌هایی را که افراد در باره اعمال یا استفاده از کالاهای مادی یا فرهنگی صورت می‌دهند، خود کلیتی به هم‌بسته را شکل می‌دهد که دارای انسجام درونی، نظام‌مندی و الگوی مشخص است. الگومندی همچنین بدین معناست که سبک زندگی یک صورت‌بندی اجتماعی است و تا حد بسیاری در باورها و ذهنیت مشترک افراد ریشه دارد؛ از این‌رو همگان آن را درک می‌کنند و تشخیص می‌دهند. بر این اساس سبک زندگی محصول و برآیند وجوه مشترک میان مجموعه‌ای از پدیده‌هاست

که به گونه‌ای خاص به هم تألیف یافته‌اند و به دلیل همین ویژگی از دیگر مجموعه‌های بی‌بهره از این وجوه اشتراک یا هیئت تألیفی ویژه، متمایز می‌شوند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

۲-۳. سبک زندگی ایرانی-اسلامی

سبک زندگی اسلامی با آنچه گذشت متفاوت است؛ از آن جهت که سبک است، به رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد؛ ولی از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند با عواطف و شناخت‌ها بی‌ارتباط باشد. براین اساس در سبک زندگی ایرانی-اسلامی، عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد (کاویانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

براین اساس اسلام صرفاً اخلاق و عقاید ما را در نظر نمی‌گیرد، بلکه به سبک زندگی ما نیز می‌پردازد؛ مثلاً اینکه ما فردی پرخاش‌جو هستیم، جزو سبک زندگی ما نیست، بلکه به اخلاق مربوط می‌شود؛ اما اینکه چگونه عصبانیت خود را بروز دهیم جزو سبک زندگی شمرده می‌شود؛ مثلاً با ناسزا گفتن، فریاد زدن، شکستن ظروف یا غیره. اینکه من انسانی کریم و باسزاوتم، در نگاه نخست ربطی به سبک زندگی ندارد؛ ولی اینکه حاتم‌بخشی خود را چگونه بروز دهم، در حیطه سبک زندگی است.

اما برخی مدعی شده‌اند که سبک زندگی یک عنصر مدرن است و پیش از آن اصلاً وجود نداشته است. باید انصاف داد که بشر پیش از دنیای مدرن نتوانسته بود سبک زندگی را به دانش بدل کند؛ اما دستوره‌های بسیار وسیعی در ادیان وجود دارد که جایگاه آنها در حیطه بحث سبک زندگی است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۸). در اینجا پس از بیان مفهوم سبک زندگی، باید به تبیین نگاه‌های مختلف به سبک زندگی ایرانی-اسلامی که مسئله اصلی ما در متن پیش روست بپردازیم.

۱-۲-۳. نگاه مختار

در کشور ایران که دارای فرهنگ دینی-اسلامی است، بالطبع باید سبک زندگی بیانگر هویت دینی اسلامی افراد باشد. آن سبک زندگی‌ای برای مردم بهترین سبک زندگی خواهد بود که برخاسته از هویت اسلامی ما به همراه هویت ملی و بومی مان باشد. مقام معظم رهبری در این باب که عنصر ایرانی بودن در سبک زندگی مردم بسیار ضروری و مهم است، می‌فرمایند:

ملت ایران در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روش‌های زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزش‌های قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد؛ سنت‌های اصیل ملی و بومی خود را دارد و می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد (۱۳۷۶/۳/۱۴).

بنابراین سبک زندگی ایرانی اسلامی، تمام متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد.

۲-۳-۲. دیگر نگاه‌ها

الف) سبک زندگی غربی

برخی به دنبال محقق ساختن سبکی از زندگی در ایران اسلامی هستند که با ارزش‌ها و هنجارهای این مرز و بوم نسبتی ندارد. مقام معظم رهبری در تعریفی جامع از فرهنگ و سبک زندگی غربی می‌فرماید:

باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. به طور مثال در غرب ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد در معاشرت‌ها، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی همه مردان یا زنان فاسدند. نه چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمتی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این در آنجا یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی یک امر مباح و مجاز و بی‌قید و شرط است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ب) سبک زندگی ایستا

برخی از اصول سبک زندگی، در همه زمان‌ها و مکان‌ها و افراد انسان ثابت بوده و تغییر نمی‌کنند؛ مثل توحیدمحوری، اما برخی اصول، در شرایط زمانی، مکانی، فردی و اجتماعی خاص تغییر می‌کنند؛ به عنوان مثال، آسان‌گیری و حسن ظن به دیگران در برخی موارد همچون شرایط جنگ و جهاد تغییر می‌کنند و سخت‌گیری و بدگمانی و احتیاط جای آنها را می‌گیرند. البته قابل ذکر است که اصول ثابت و متغیر دارای ضوابط و ملاک‌هایی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۲). یکی از موارد مهمی که باید در سبک زندگی به آن اشاره کرد، تناسب داشتن سبک زندگی با

مقتضیات زمان و شرایط زمانی، فرهنگی و اجتماعی است. اقتضائات فرهنگی و اجتماعی می‌تواند بر سبک زندگی یک مجموعه اثرگذار باشد. در صورتی که به این مقتضیات توجه نشود سبک زندگی قابلیت کارآمدی و دوام خود را از دست می‌دهد.

یکی از سبک زندگی‌هایی که متأسفانه در قرن‌های اخیر به شدت رواج یافته است، سبک زندگی ایستاست. سبک زندگی ایستا به این معناست که برای تمام شئون جامعه و مقتضیات جامعه یک نسخه بیچیم و به شرایط و مقتضیات زمان توجه نکنیم. در نهایت نتیجه چنین عملکردی این خواهد بود که پیرو و مقلد و دچار خودباختگی خواهیم شد.

ج) سبک زندگی تشریفاتی

یکی دیگر از سبک‌های نامناسب برای جامعه ایرانی، سبک زندگی تشریفاتی و اشراف‌گرایانه است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

تجمل‌گرایان و کسانی که درای سبک زندگی اشرافی هستند در زندگی‌شان در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم‌وهمچشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهایی غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۱).

د) تعدد سبک‌های زندگی

مسئله تعدد سبک‌های زندگی، ابعاد متعددی دارد و به همین دلیل نمی‌توانیم به علت اصلی و منشأ اصلی چرایی تعدد سبک‌های زندگی به طور مطلق و خاص اشاره کنیم؛ چراکه جوامع و فرهنگ‌های مختلف دارای ریشه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی متعددی هستند. البته اگر کلیه تمایلات و ترجیحات فرد را در یک راستا و برای تحقق یک هدف بدانیم، آن‌چنان‌که برخی متفکران مانند زیمل و آدلر قائل بوده‌اند، وحدت سبک‌های زندگی حاصل می‌شود و به عبارتی، سبک زندگی، راه دستیابی به هدف غایی تلقی می‌شود؛ اما دیدگاه غالب این چنین نیست و حداکثر به چنین وحدتی، به منزله یکی از آرمان‌های فرد می‌نگرد. در بیشتر موارد اعتقاد بر این است که تمایلات و ترجیحات انسان از نگرش‌ها و نیازهای مختلف انسان ناشی می‌شود. بنابراین هر سبک

زندگی ای بر مبنای تمایل و ترجیح یا یک مجموعه همگرا از ترجیح‌ها و تمایلات شکل می‌گیرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). البته برخی بر این نظرند که لزومی ندارد مردم یک جامعه همگی دارای یک سبک زندگی واحدی باشند، بلکه برعکس هرکس می‌تواند هر گونه سبک زندگی ای خواست برگزیند و عیبی ندارد که در یک جامعه، در آن واحد چند نوع سبک زندگی وجود داشته باشد. مسئله این است که تعدد سبک‌های زندگی در یک جامعه نشان از عدم توفیق جامعه برای حرکت از سمت فرهنگ به سمت تمدن دارد؛ چراکه در یک تمدن سبک زندگی آن جامعه متأثر از مبانی اندیشه‌ای و اصول اساسی آن تمدن است.

۳-۳-۲. چرایی اختلاف در سبک زندگی

در قسمت قبل به مهم‌ترین دلیل اختلاف در سبک زندگی‌ها اشاره شد. در اینجا قصد داریم که به دلایل اختلاف در سبک‌های زندگی به صورت دقیق‌تر و جزئی‌تر اشاره کنیم و این مسئله می‌تواند در حرکت ما به سمت سبک زندگی مطلوب مؤثر باشد. البته باید بدانیم که مواردی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، همه دلایل اختلاف در سبک زندگی‌ها نیست؛ ولی تلاش شده است تا در دسته‌بندی‌ای کلی، مهم‌ترین علل یادآوری گردد.

الف) اختلاف در بن‌مایه‌ها

هر سبک زندگی ای به سلسله بن‌مایه‌هایی نیاز دارد که سبک زندگی بر مبنای آن بن‌مایه‌ها احداث می‌شود و چنانچه این بن‌مایه‌ها تغییر یابد روش و سبک زندگی نیز متفاوت می‌گردد. یکی از تفاوت‌های اساسی میان سبک زندگی اسلامی با دیگر سبک‌های موجود در دنیا، وجود معنویت است و بدین سبب، زندگی امروزی که در چارچوب تمدن‌های مادی دنیا و تحت تربیت مکتب‌های حاکم بر جهان تبلیغ می‌شود، انسانی تک‌بعدی را که سرگرم زندگی مادی است پرورش می‌دهد؛ انسانی که سرگرم زندگی و مادیات و تأمین شکم و رفاه است. این زندگی با زندگی انسانی که معنویت بر تمامی شئون زندگی‌اش سایه افکنده و به واسطه ارتباط قلبی با خدا، توجه به قرآن، دعا و مناجات، داشتن نظم در امور و تقوا، راه سعادت را می‌پیماید، تفاوت دارد (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰).

ناگفته پیداست که در این زمینه، تضادی جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد و تعریف فرهنگ اسلامی - ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن (بر اساس آخرت‌گرایی و مزرعه

بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی)، درست در نقطه مقابل تعریف فرهنگ و سبک زندگی غربی است که بر مکتب اومانیسیم و لذت‌گرایی استوار است (ولی زاده، ۱۳۹۲، ص ۹).

ب) اختلاف در توجه به زمینه‌ها

منظور از زمینه، لایه روئین‌تر نسبت به بن‌مایه است؛ چراکه بن‌مایه جوهره اصلی یک تمدن را تشکیل می‌دهد، ولی زمینه در سطح بعدی به بیان مواردی همچون دین، قومیت و ملیت می‌پردازد. سبک زندگی زمینه‌هایی دارد که در شکل‌دهی به آن بسیار مؤثر است. این زمینه‌ها عبارت‌اند از اسلامیت، ایرانی بودن و فرهنگ، و به بیانی دیگر دین، بوم و فرهنگ. بر اساس توجه و اهتمامی که در مورد این زمینه‌ها وجود دارد، سبک زندگی‌ها متفاوت می‌شود. برای مثال اینکه دو جامعه دارای یک دین باشند، ولی اهتمام یکی به این دین بیشتر از دیگری باشد، خود عاملی برای تفاوت سبک زندگی در این دو جامعه خواهد بود.

ج) اختلاف در هدف غایی

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. در واقع در هر مکتبی این پرسش پیش می‌آید که هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم در واقع یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، شاید در سبک زندگی غربی افراد بدون هیچ انگیزه و غایت خاصی فعالیت‌های روزمره خودشان را انجام دهند؛ اما در سبک زندگی اسلامی، نمی‌توان نسبت به غایات افراد از انجام کارها بی‌اعتنا بود؛ یعنی در عین حال که تأکید روی رفتار است، به حداقل‌های عواطف و شناخت نیز توجه می‌شود. برای مثال نماز که فریضه‌ای واجب در اسلام است، تا وقتی که اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی به شمار نمی‌آید. بدیهی است که همه انسان‌ها به دنبال کمال خود هستند. هیچ فردی را نمی‌توان سراغ گرفت که در انجام رفتارهای خود دنبال کمال مطلوب خویش نباشد؛ اما ممکن است همگان درباره اینکه مصداق واقعی و حقیقی کمال مطلوب و هدف غایی زندگی چیست، نگاه یک‌سانی نداشته باشند. لذت، سود، قدرت، آسایش و آرامش از جمله مواردی هستند که ممکن است به عنوان هدف غایی زندگی در نظر گرفته شوند. روشن است که هر یک از این اهداف و غایات شیوه زندگی متفاوتی را می‌طلبد. به طور کلی کسی که هدف غایی‌اش تأمین نیازهای نفسانی است، سبک زندگی‌اش متفاوت با کسی خواهد بود که هدف غایی‌اش سعادت ابدی و قرب الهی است (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۹۸).

د) اختلاف در راه و شیوه دستیابی به هدف غایی

عامل دیگر اختلاف در سبک زندگی، اختلاف در شناخت راه و شیوه دستیابی به هدف غایی است؛ یعنی حتی در جایی که هدف مطلوب و غایت نهایی زندگی از سوی افراد یک جامعه یکسان باشد، باز هم ممکن است در شیوه و سبک زندگی متفاوت باشند و این وضع هنگامی رخ می‌دهد که افراد دو دیدگاه یا دوره مختلف را برای دستیابی به آن هدف مطلوب در پیش بگیرند. به تعبیر دیگر اگر افراد در تعیین ارزش ابزاری و غیره رفتارهای اختیاری اختلاف داشته باشند یا در تعیین راه شناسایی ابزاری و غیره دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، با اختلاف در سبک زندگی روبه‌رو می‌شوند.

برای مثال ممکن است کسی عقل را به عنوان ابزاری برای شناخت ارزش‌ها بداند و دیگری عقل را حجت نداند. اختلافاتی که در سبک زندگی گروه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی مشاهده می‌شود، تا حد بسیاری به همین مسئله مربوط می‌شود. این اختلافات به‌ویژه در عرصه تعامل و رابطه با مخالفان کاملاً نمود دارد.

ه) اختلاف در انسان‌شناسی

شاید بتوان گفت منشأ اصلی اختلاف در سبک زندگی، ناشی از اختلاف در انسان‌شناسی و نوع نگاه به انسان، حقیقت انسان و فلسفه وجودی اوست؛ زیرا منظور از سبک زندگی، سبک زندگی انسانی است. اگر انسان را موجودی مادی بدانیم، طبیعتاً سبک زندگی ما متفاوت با کسی خواهد بود که انسان را منحصرراً در عالم ماده نمی‌داند و او را دارای روحی الهی می‌انگارد. اگر اصالت و محوریت را به شهوت و غضب و به طور کلی امیال و غرایز بدهیم، سبک زندگی مان متفاوت با کسی خواهد بود که اصالت را به عقل می‌دهد و شهوت و غضب را تحت سیطره عقل درمی‌آورد. اگر نوع نگاه ما به انسان متأثر از تفکرات اومانیستی باشد، در آن صورت سبک زندگی مان متفاوت با نوع نگاه کسی است که انسان را مخلوق و بنده خداوند می‌داند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۹۴).

۴-۳-۲. ابعاد چهارگانه سبک زندگی

در اینجا سبک زندگی مطلوب آن نوع سبک زندگی‌ای است که متناسب با تعالیم و آموزه‌های اسلامی در چارچوب دیدگاه ارتباطی تنظیم شده باشد. دیدگاه ارتباطی دیدگاهی روان‌شناختی از شخصیت انسان است که بر اساس آن شناخت شخصیت از طریق شناخت نوع ارتباط‌هایی که فرد با خود، خداوند، دیگران و طبیعت برقرار می‌کند میسر می‌شود. این دیدگاه با رویکرد تحولی، نوع

ارتباط‌های چهارگانه فوق در مراحل مختلف رشد را تشریح می‌کند و جهت‌گیری‌های فرد را معین می‌سازد (معمدی، ۱۳۹۱).

سبک زندگی وقتی مطلوب و متناسب با ارزش‌های اسلامی است که فرد به تمام روابط چهارگانه (ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت) توجه داشته باشد و اهمیت هر یک از این تعاملات را در چارچوبی که دستوره‌های اسلامی مشخص کرده‌اند مدنظر قرار دهد و نسبت به آنها غفلت نرزد. اگر بپذیریم که تمامیت شخصیت هر فرد نتیجه سبک زندگی‌ای است که او برای خود برگزیده است، به اهمیت اصلاح سبک زندگی پی خواهیم برد. نکته‌ای که به طور تلویحی از این بحث به عنوان پیش‌فرض برای خود قرار داده‌ایم این است که اولاً طبیعت اولیه انسان را تربیت نشده می‌دانیم و ثانیاً معتقدیم که جهت‌گیری مناسب سبک زندگی می‌تواند این طبیعت اولیه را تربیت کند (معمدی، ۱۳۹۳).

در اینجا قصد داریم ابعاد چهارگانه سبک زندگی را شرح دهیم. منظور از این ابعاد چهارگانه، حوزه‌های تحقق یافتن این سبک زندگی است. بر اساس یک تقسیم‌بندی عقلی، ابعاد و ساحات ارتباطی بشر به چهار دسته تقسیم‌پذیرند.

الف) ارتباط انسان با خدا

ادیان الهی و به طور خاص دین مبین اسلام رشد و تکامل انسان را منوط به فهم درست او از رابطه‌ای که با خالق یکتا باید داشته باشد می‌دانند. انبیا الهی تلاش کردند تا انسان‌ها نسبت خود را با خداوند دریافته و متناسب با این نسبت و رابطه، به وظایف خود عمل کنند. موارد زیر مصادیقی از رابطه فرد با خداوند است که رعایت آنها لازمه سبک زندگی مطلوب است: خود را در محضر خدا دیدن، اطاعت از خداوند، کمک خواستن از خداوند و شکرگزاری (معمدی، ۱۳۹۱، ص ۷).

ب) ارتباط انسان با خود

انسان یک بُعد نرم‌افزاری دارد و یک بعد سخت‌افزاری. ارتباط انسان با خود مربوط به تنظیم وظایف خود نسبت به هر یک از این دو بخش است. نرم‌افزار انسان فرهنگ و هویت باطنی اوست و سخت‌افزار انسان، سیستم وجودی انسان و هویت ظاهری او. رابطه انسان با خود می‌تواند در دو محور ارتباط و توجه انسان به جسم و ارتباط و توجه انسان به روح بررسی شود.

ج) ارتباط انسان با دیگران

از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است، ارتباط با دیگران امری طبیعی به شمار می‌آید. با این وصف، درک اهمیت ارتباط با دیگران و کیفیت این ارتباط در رابطه با سبک زندگی مطلوب، حائز اهمیت است. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود هنگام وفاتش فرمود: لازم است با یکدیگر رابطه داشته باشید و به یک دیگر بذل و بخشش کنید و از قطع رابطه و پشت کردن به یکدیگر بپرهیزید (صابری یزدی، ۱۳۷۵).

می‌توان ساحت ارتباط با دیگران را در سه محور خانواده، اجتماع و نظام اسلامی تقسیم‌بندی کرد. خانواده نخستین نهاد اجتماعی است. این نهاد از آغاز خلقت تاکنون، در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی، از ارزش و اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. اگر بخواهیم بر روی مسئله مهم سبک زندگی تمرکز داشته باشیم، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها خانواده است. اصل در زندگی انسان زندگی اجتماعی است. اسلام دین زندگی اجتماعی است و آن دسته از قوانین زندگی که در قرآن بدانها اشاره شده، بیشتر جنبه اجتماعی دارند. یکی از حوزه‌های مورد توجه در سبک زندگی، حوزه تعامل با اجتماع است که در این حوزه رفتارهای مختلف و الگوهای رفتاری مختلفی داریم.

د) ارتباط انسان با طبیعت

حوزه دیگر ارتباطی انسان، ارتباط با طبیعتی است که در پیرامون انسان وجود دارد. به صورت کلی انسان در بهره‌مندی و بهره‌رسانی نسبت به این طبیعت می‌تواند به سبک‌های گوناگونی عمل کند. انسان در طول زندگی خود به طور دائمی از طبیعت بهره می‌برد. انسان‌ها هم در زمانی که در صدد تولید امری مادی هستند و هم زمانی که در حال مصرف‌اند، در حال بهره‌برداری از موادی هستند که طبیعت در اختیارشان قرار داده است. یکی از وظایفی که انسان بر عهده دارد، حفاظت از طبیعت و پیرامون خویش است.

۵-۳-۲. بیان ضرورت و ملاک‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی

در بسیاری از موارد، افراد چون اطلاع کافی از ویژگی‌ها و فواید یک امر ندارند، اشتیاقی نیز در توجه به آن امر نخواهند داشت؛ بنابراین یکی از کارهای مهم در باب سبک زندگی ایرانی-اسلامی آن است که مزایای آن نسبت به سبک زندگی‌های دیگر ذکر شود. برای این کار باید معیارهای انتخاب الگوها را بازشناسی کنیم. برای انتخاب الگو باید به چند نکته و معیار توجه کنیم. اولاً الگوها نباید

تحمیلی باشند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند:

اولاً من به شما می‌گویم که الگورا نباید برای ما معرفی کنند و بگویند که این الگوی شماست. این الگوی قراردادی و تحمیلی، الگوی جالبی نمی‌شود. الگورا باید خودمان پیدا کنیم؛ یعنی در افق دیدمان نگاه کنیم و ببینیم از این همه چهره‌ای که در جلوی چشمانمان می‌آید، کدام را بهتر می‌پسندیم؛ طبعاً این الگوی ما می‌شود. من معتقدم که برای جوان مسلمان، به خصوص مسلمانی که با زندگی ائمه و خاندان پیامبر و مسلمانان صدر اسلام آشنایی داشته باشد، پیدا کردن الگو مشکل نیست و الگو هم کم نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷).

دومین ملاک از ملاک‌های انتخاب الگو، توجه به تقوا در انتخاب الگوست. تقوا چیزی است که برای زندگی دنیوی بسیار لازم است؛ برای زندگی اخروی هم نیاز است. ملاک سوم برای انتخاب الگوها متناسب بودن الگو از لحاظ بومی و اسلامی بودن است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «نظام غربی نمی‌تواند الگو باشد. پس ما الگورا نه از رژیم‌های شرقی و نه از رژیم‌های غربی گرفتیم؛ ما الگورا از اسلام گرفتیم و مردم ما بر اثر آشنایی با اسلام، نظام اسلامی را انتخاب کردند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

۶-۳-۲. راهکارها و روش‌های ایجاد و احیای سبک زندگی ایرانی اسلامی

الف) عادت‌سازی، تکرار، تشویق و تنبیه

یکی از راه‌های سبک زندگی مشخص را می‌توان عادت‌سازی دانست؛ بدین معنا که از روش‌هایی برای ملکه شدن برخی رفتارها کمک گرفته شود. تذکر یکی از راه‌های آن است؛ یعنی تغییرات در شناخت، عواطف و رفتار در زمان خاص، کافی نیست، بلکه به استمرار و غفلت‌زدایی دائمی نیاز دارد. دومین راه برای ایجاد عادت را می‌توان تکرار دانست؛ یعنی همان‌طور که اشاره شد، ایجاد تغییر در شناخت، عواطف و رفتار فقط در یک زمان خاص کافی نیست و برای نهادینه شدن آنها در جامعه، نیاز است که به صورت دوره‌ای تکرار و یادآوری انجام شود. سومین راهکار برای ایجاد عادت، تشویق و تنبیه است که در علوم تربیتی و روان‌شناسی بسیار بدان توجه شده است (کاوایی، ۱۳۹۴).

ب) جهت‌دهی سلايق

سبک زندگی متأثر از سلیقه، سلیقه پیامد منش و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، منش وی را تشکیل می‌دهد و منش نیز مولد دو نظام است: یکی نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی شدن که تعامل این دو نظام سبک زندگی را می‌سازد. البته طرف دیگر رابطه این است که سبک زندگی و فرایندهای مصرفی به منزله تجلی آن، هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی شده است و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی‌کننده (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵).

با توجه به اهمیت سلیقه در سبک زندگی، یکی از راهکارهایی که در تمدن غرب ارائه گشت و ابزاری برای تسلط بر دیگر جوامع شد، این بود که آنها برای ملت‌های دیگر سلیقه‌سازی کردند و از این طریق ذائقه‌ها را تغییر دادند؛ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «سلیقه‌سازی می‌کنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد می‌کنند؛ نیروهای نظامی و ژنرال‌ها را وارد می‌کنند. این، شیوه حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

یکی از کارهایی که می‌توان در جهت‌دهی به سلايق انجام داد، این است که به مخاطب فرصت انتخاب داده شود و این هنگامی ممکن است که گزینه‌های متفاوت انتخاب به مخاطب داده شود تا او بر اساس سلیقه و ذائقه خود، یکی را برگزیند. یکی دیگر از راه‌های جهت‌دهی به سلايق، ایجاد اشتیاق و تفراست. در این مسیر می‌توان از رسانه و تبلیغ چهره به چهره استفاده کرد.

ج) عدم سطحی‌نگری و لزوم توجه به سکولاریسم پنهان

دین، شیوه و روش صحیح زندگی کردن را به انسان می‌آموزد و به تعبیر علامه طباطبائی: «ان الدین فی عرف القرآن هو السنة الاجتماعية الدائرة فی المجتمع». از این رو هنگامی که دین بد فهمیده می‌شود، مسیر زندگی انسان‌ها منحرف می‌گردد و همان‌گونه که شخص بی‌دین از صراط مستقیم خارج شده است، شخصی متدینی هم که تلقی صوابی از دین ندارد، بیرون از صراط مستقیم است. دین‌داری لغزشگاه‌های مختلفی دارد که یکی از خطرناک‌ترین آنها «سطحی‌نگری» است. دین‌دار سطحی‌نگر، چیزی از دین را «منکر» نمی‌شود و در صدد «مخالفت» با دین هم نیست؛ ولی درک او از برخی ظواهر فراتر نمی‌رود و به «فهم عمیق» از دین دست نمی‌یابد (محلای، ۱۳۸۹). رهبر

انقلاب در این باره می‌فرماید:

انتظار داریم اهل فکر و اهل نظر در مراکزی که می‌توانند و اهلیت و صلاحیت این کار را دارند، در زمینه‌های سبک زندگی کار کنند، فکر کنند، مطالعه کنند؛ تا بتوانیم پیش برویم. مراقب باشیم دچار سطحی‌نگری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم این یک طرف قضیه است دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن سکولاریسم است؛ جدایی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه‌ریزی‌ها و عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم خبری نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶).

د) بازخوانی آموزه‌های اصیل، توسط متخصصان

همچنین بازخوانی آموزه‌های اصلی برای استنتاج الگوهای رفتاری مناسب با اقتضانات اجتماعی معاصر، نیازمند ورود حوزه‌های علمیه و دانش‌آموختگان آن و ایفای نقشی برجسته و پررنگ از سوی آنان است. تعریف و تبیین دقیق شاخصه‌های تمدن و جامعه مطلوب اسلامی و سبک زندگی زمینه‌ساز آن، تنها از عهده دین‌شناسی بر می‌آید که بر فقه اهل بیت علیهم‌السلام تکیه کرده و به‌شایستگی با علوم دینی آشنا باشد. مسلمانان تنها زمانی می‌توانند زیستی آگاهانه داشته باشند و به فرموده قرآن در زمره «لینذر من کان حیا...» (یس: ۷۰) قرار گیرند که آگاهی عمیق‌تری درباره آموزه‌های اسلامی و الگوهای پیشنهادی آن برای سبک زندگی فردی و اجتماعی کسب کنند و سپس برای تحقق این الگوها بکوشند. تنها در این صورت است که حیات دوباره و تمدن بالنده نصیب مسلمانان خواهد شد؛ ولی اگر پژوهشگر حوزه دین، تنها از تمدن و فرهنگ سکولار و مادی غرب انتقاد کند و از گذشته فرهنگ و تمدن اسلامی تمجید نماید، راه به جایی نخواهیم برد و نمی‌توانیم دوباره تمدنی اسلامی را بنیان نهیم. باید این نکته را بپذیریم که از آموزه‌های اسلام و سبک زندگی اسلامی فاصله گرفته‌ایم و اکنون باید با چرخشی فرهنگی و اجتماعی، به اسلام و الگوهای مطلوب آن برای زندگی بازگردیم. هدف از این بازگشت، ساخت تمدن نوین اسلامی بر اساس فرهنگ اصیل اسلامی و با استفاده از همه تجربه‌های مباح بشری است. البته بازخوانی آموزه‌های دینی برای تعریف و ارائه سبک زندگی متناسب با نیازهای زمانه، بدان معنا نیست که مفاهیم اسلامی را از جوهره آن تهی سازیم؛ بلکه باید مفاهیم به گونه‌ای تحلیل شوند که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع گردد؛ و

خلافت و اصول‌گرایی در هم آمیزد (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ص ۵).

۲-۴. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی است که همه مؤلفه‌هایش بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمایه، از سویی قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر ﷺ است و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی (جان احمدی، ۱۳۸۷، ص ۵۱).

از رهاورد های مهم اسلام در حیات بشری، پایه‌گذاری تمدن باشکوهی بود که در برهه‌ای از تاریخ، بسیاری از سرزمین‌ها را زیر نفوذ داشت و از حلقه‌های درخشان تمدن بشری به شمار می‌رفت که از آن با عنوان «تمدن اسلامی» یاد می‌شود (انیاتولا، ۲۰۱۲، ص ۶۴)؛ اما تمدن اسلامی با این قدمت و پرونده درخشان، که با نام پرآوازه امپراتوری اسلامی شناخته می‌شد (به گونه‌ای که از قرن دوم تا پنجم هجری تنها کلید گنجینه علوم زمان، دانستن زبان عربی بود)، دیری نپایید که برتری‌اش رو به افول نهاد و گرمی بازاریش به سردی گرایید (پارسائیان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷). در دهه‌های اخیر و به برکت انقلاب اسلامی ایران، هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است و اگر پیشرفت همه‌جانبه به معنای تمدن نوین اسلامی فرض شود، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، عبارت است از سبک زندگی رفتار اجتماعی و شیوه زیستن (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱). بنابراین شاهراه و مسیر اصلی دستیابی به تمدن نوین اسلامی همان سبک زندگی اسلامی است.

۲-۵. سبک زندگی و تمدن غربی

تفکیک سبک زندگی از اعتقادات و دین (سکولاریزه کردن سبک زندگی) مهم‌ترین دستاورد نظام سلطه بوده است که مرزهای آن به کشورهای خودشان محدود نمی‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲). سبک زندگی مبحثی نوظهور در قافله علم بشر است که خاستگاهی غربی دارد و در طلوع حضور خود توانسته است کارهای بزرگی را برای تمدن غرب مدرن انجام دهد و نقش مؤثری

را در مدیریت فرایند جهانی شدن بر عهده گیرد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳).

یکی از مهم‌ترین آفات در مسیر ایجاد تمدن نوین ایرانی-اسلامی تقلید کورکورانه از غرب است. تمدن غرب همواره در ستیز با ما و به دنبال سلطه بر جامعه ایرانی اسلامی بوده و به عبارتی به جنگ نرم روی آورده است. جنگ نرم بر خلاف جنگ سرد به هدف تسخیر زمین و ذهن و قلب افراد صورت می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب درباره کشورهایایی که به تقلید از غرب روی می‌آورند می‌فرماید:

البته بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی که چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، اینها ممکن است به یک پیشرفت‌هایی هم برسند، به یک پیشرفت‌های صوری و سطحی هم می‌رسند؛ اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند؛ اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر آن‌چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهد رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آنها تقلید است و تقلید پدرشان را درمی‌آورد، برخی از منافع تمدن غرب گیرشان می‌آید و بسیاری گیرشان نمی‌آید؛ اما همه زیان‌های آنها گیرشان می‌آید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

هر تمدنی با سه لایه فکر، نرم‌افزار و سخت‌افزار شناخته می‌شود که آنها را به ترتیب لایه‌های تفکرات بنیادین، فرهنگ و تمدن می‌نامند. برای مثال مفهوم توحید جزو تفکرات بنیادین تمدن اسلامی است که به معنای عبودیت خداوند سبحان و نفی عبودیت هر چیزی غیر از اوست. اگر این تفکر توحیدی به عرصه نرم‌افزاری تمدن (فرهنگ) برسد، در قالب مفاهیم توحیدی تجلی می‌یابد؛ ولی وقتی در لایه سخت‌افزاری یا نمودهای ظاهری تمدن وارد می‌شویم، بیشتر به مفاهیم عینی پرداخته می‌شود. درباره تمدن غرب نیز با سه لایه مهم تفکر، فرهنگ و تمدن روبه‌رویم. شاید مهم‌ترین عاملی که موجب اختلاف در سبک زندگی غربی و اسلامی شده، اختلاف در مبنای تعلیم و تربیت در دو تمدن نوین اسلامی و غرب است که در اولی، خداآوارانه و در دومی، انسان‌مدارانه است. از مقایسه تمدن اسلامی و نظریات متفکران غربی، ملاحظه می‌شود که بعضی اصول و روش‌ها مشترک‌اند؛ اما تعلیم و تربیت از دو سرچشمه متفاوت توحیدی و مادی سیراب می‌شود. در نگاه توحیدی، اگر متعلم فعالیت و هدفی را دنبال می‌کند در نهایت، هدفی خداپسندانه دارد؛ اما در نگاه مادی، هدف انسان‌مدارانه (اومانستی) مد نظر است (کیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷).

۱-۵-۲. چرایی و لزوم پرهیز از سبک زندگی غربی

تا حدی متوجه شدیم که تمدن غرب در مواجهه با ملت‌های دیگر چه برخوردی را پیش گرفته است.

پرهیز از سبک زندگی غربی آن قدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی (سبک زندگی)، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تعاریف ارائه‌شده توسط غربی‌ها از چیستی سبک زندگی و نوع نگاهی که به این مقوله دارند، در نقطه مقابل شناخت جامعه خودی از ماهیت و چیستی سبک زندگی است (ولی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵). بنابراین چون این نوع اختلاف، اختلاف ماهوی است، به هیچ وجه نمی‌توان آن را به سبک زندگی اسلامی نسبت داد.

۳. اهمیت سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

سبک زندگی غربی نتیجه تمدن غربی و مدرنیته متأخر است، نه نقطه آغازین تمدن‌سازی در غرب. بر این مبنا شکل‌گیری جامعه مدرن، نظام طبقاتی، الگوی مصرف و نظایر آن در غرب، نقطه پیدایش موضوع و مفهوم سبک زندگی زمانمند و مکانمند است. بدین ترتیب آنچه در غرب به عنوان سبک زندگی معنا می‌شود، واپسین مرحله تطور اجتماعی آن پس از عبور از مراحل متعددی در تکامل اندیشه‌های اجتماعی، شکل‌یابی ساختارها و نظام‌های اجتماعی، سازگار شدن رویه‌ها و جریانات فرهنگی مختلف و گاهی معارض درون غرب و در نهایت استقرار وضعیت نهایی مدرنیته است که به صورت نظام اجتماعی لیبرال سرمایه‌داری امریکایی در اواخر قرن بیستم جلوه‌گر می‌شود و در نهایت سبک زندگی، به عنوان مفهومی خاص برای توضیح وضعیت فرهنگی جدید انسان غربی، تعریف و به کار گرفته می‌شود (خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

همچنین درباره اهمیت سبک زندگی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید گفت: اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی در نظر بگیریم، این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی و اساسی خواهد بود، که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. بخش ابزاری یا سخت‌افزاری این تمدن موضوعاتی است که در فضای کنونی به عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح می‌شود؛ اموری از قبیل علم، اقتصاد، اختراع، سیاست و اعتبار. اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را لایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم؛ وگرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که سبک زندگی فقط شرط حدوث یک تمدن نیست؛ بلکه شرط بقای آن نیز هست؛

چراکه علاوه بر افزایش رویش‌ها، جلوی ریزش‌ها را نیز به‌شدت می‌گیرد و جهت حرکت را به سمت بقای تمدن به جلو می‌برد.

سبک زندگی ایرانی-اسلامی آغاز و مقدمه‌ای برای تمدن‌سازی نوین اسلامی و در نهایت تحقق پیشرفت و توسعه زندگی ایرانی-اسلامی است. یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به تمدن نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب است که هدف آن تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی است. لازمه جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی، تبعیت از احکام دینی و پرهیز از سبک زندگی‌های غربی است. رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی مانعی بسیار جدی در مسیر رشد و توسعه ایران اسلامی است و موجب غفلت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگ دینی و در نهایت عقب‌ماندگی در همه زمینه‌ها اعم از اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

نتیجه‌گیری

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن سبک زندگی‌ای مشخص نمی‌تواند در رسیدن به اهداف والایی همچون ایجاد تمدن نوین اسلامی گام بردارد و باید بدانیم که بهترین سبک زندگی برای جامعه ما سبک زندگی‌ای است که برخاسته از هویت اسلامی و هویت ملی و بومی ما باشد. از جمله مواردی که در تبیین سبک زندگی ایرانی-اسلامی باید بدانها توجه کرد، ضرورت سبک زندگی ایرانی-اسلامی است. مطالعات پیشین به بیان اهمیت سبک زندگی و اهمیت آن در تمدن‌سازی اشاره کرده‌اند؛ اما هیچ‌یک از آنها نتوانسته‌اند با رویکردی کاربردی، راهکارهایی عملی را برای پیاده‌سازی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در متن تمدن نوین اسلامی ارائه کنند. در این پژوهش کوشیدیم با نگاهی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری، ابتدا به بیان مفهوم سبک زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی و راه‌های نفوذ سبک زندگی غربی در جامعه ایران اسلامی بپردازیم. سپس تلاش کردیم با بیان راهکارها و روش‌های کاربردی و عملی قدمی مؤثر در احیای سبک زندگی ایرانی-اسلامی و در نهایت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برداریم. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که برای ایجاد سبک زندگی ایرانی-اسلامی، باید دو گام مهم و اساسی برداشته شود: ۱. عادت‌سازی این سبک زندگی بین مردم؛ ۲. جهت‌دهی سلايق و خواسته‌های مردم در جهت مورد نظر. به این منظور کلیه نهادها و مراجع سیاست‌گذاری فرهنگی باید برای پیشرفت در این مسیر همت گمارند و در آغاز با گام برداشتن در مسیر احیای سبک زندگی ایرانی-اسلامی و سپس ایجاد تمدن نوین اسلامی، از هیچ تلاش و کوششی در این مسیر فروگذار نکنند.

منابع

- قرآن کریم.
- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بایگانی، احمد و همکاران (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی، مهندسی فرهنگی. ۷۷: ۷۴-۵۶
- پارسائیان، علی (۱۳۸۸). «جستاری در عوامل فراز و فرود تمدن اسلامی»، فصلنامه علوم اسلامی. ۱۶: ۳۷-۲۵
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۷). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: انتشارات نشر معارف. چاپ دوم.
- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۹۲). منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر.
- خانی، حسین (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناسی مفهوم سبک زندگی در تمدن‌های غربی و اسلامی، فصلنامه سیاست. ۱: ۱۴۵-۱۶۰
- خانی، حسین (۱۳۹۳). تطبیق مفهوم‌شناسی شیوه زندگی در تمدن غربی و تمدن اسلامی، فصلنامه فرهنگ مردم ایران. ۳۷: ۱۳۲-۱۵۰
- سارمانلو، اژدر پیری (۱۳۹۴). سبک زندگی ایرانی-اسلامی به مانند الگوی اعتدال در زندگی. ماهنامه پژوهش ملل. ۱ (۱).
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۹). سطحی‌نگری دینی: علامت و عاقبت، مجله دندانپزشکی. ۲۲ (۴): ۲۰۰-۲۰۳.
- سیاهپوش، امیر، و آقاپور، علی (۱۳۹۱). فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- شبدینی محمد، و همکاران (۱۳۹۴). مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی. تهران: انتشارات زمزم هدایت.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۴). سبک زندگی اسلامی-ایرانی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- صابری یزدی، علیرضا و انصاری محلاتی، محمدرضا (۱۳۷۵). الحکم الزاهره. ترجمه رضا انصاری. قم: چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.

- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت‌ها و راهبردها، فصلنامه محفل. ۸: ۶۸-۴۵
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: صبح صادق.
- فصیحی، امان‌الله و همکاران (۱۳۹۴). شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین (۱۳۹۴). زندگی و سیره حضرت زهراء علیها‌السلام به عنوان الگوی سبک زندگی دینی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگ. ۱۵: ۲۱۹-۲۴۳
- کاویانی، محمد (۱۳۹۴). درسنامه سبک زندگی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: انتشارات جعفری. چاپ دوم.
- کیان، مرجان، و سحری، محمدمهدی (۱۳۹۲). واکاوی سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و مقایسه آن با آرای اندیشمندان غربی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی. ۶ (۱): ۸۱-۹۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- محمدی سیدمحسن و همکاران (۱۳۹۳). سبک زندگی زمینه‌ساز و زندگی غربی، فصلنامه مشرق موعود. ۳۱: ۵۷-۸۶.
- معتمدی، عبدالله (۱۳۹۱). تحلیلی از نظریه‌های شخصیت و ارائه دیدگاهی متفاوت از شخصیت بر اساس متون اسلامی، پرتال جامع علوم انسانی.
- معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲). سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی، فصلنامه فرهنگ و مشاوره درمانی. ۱۳: ۱۲۵-۱۴۳.
- مهدوی کنی، محمدمسعود (۱۳۸۵). دین و سبک زندگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- ولی‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۲). ضرورت ارائه تعریف بومی «اسلامی - ایرانی» از سبک زندگی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۳۵-۶۵.
- Ansbacher, H.L. (2001). Lifestyles: a Historical and Systematic Review” Journal of Individual Psychology.

- Wyn, J. & R. White (1997). Rethinking Youth. London: Sage
- Inayatullah, Sohail, (2012), Alternative Futures for the Islamic Ummah. Available at: www.metafuture.org/Articles/AltFuturesUmmah.htm
- Giddens (1990) "The Philosophy of Money" in Tom Bohmer & Pavid Frisby (trans) second ed. New York: Routledge.